

شرح حال و آثار مؤلف

دانشمند و ادیب، شیخ محمد عبدالله دراز در روستای «محلّه دیای» مصر به دنیا آمد. در دانشگاه دینی اسکندریه تحصیل کرد و گواهینامه دوم الازهر و همچنین گواهینامه جهانی را کسب کرد و برای تدریس در دوره عالی الازهر انتخاب شد.

او زبان فرانسه را آموخت و از استادانی چون ماسینیون، لیفی بروفنسال، لوسن، فالون و فوکونیه بهره جست. آن‌گاه با یک گروه علمی به فرانسه رفت و مدرک دکترای خود را از دانشگاه سوربن گرفت و دوباره به مصر بازگشت و در دانشگاه قاهره، دارالعلوم و نیز دانشکده زبان عربی دانشگاه الازهر به تدریس پرداخت و به عضویت هیئت بزرگان جماعت علما درآمد. وی عضو شورای عالی مشورتی فرهنگی نیز بود.

خیرالدین زرکلی درباره او که شخصیتی کم‌نظیر و آشنای به زمانه بود، می‌نویسد: «وی محمد بن عبدالله دراز، فقیه و متأدب مصری، از جمله بزرگ‌ترین دانشمندان و استادان دانشگاه الازهر و دارای تألیفات مختلف از جمله دراسة تمهیدیه لتاریخ الاسلام است»^۱.

آثار وی در منابع تفسیری و به خصوص تفسیر موضوعی نیز مورد توجه است و درباره دیدگاه‌های او در این زمینه، بیشتر ارجاعات نویسندگان به کتاب‌های النبا العظیم، مدخل الی القرآن الکریم و دستور الاخلاق فی القرآن اوست. به هرحال دراز در شمار نخستین کسانی است که قبل از ورود به تفسیر، دیدگاه قرآن را در زمینه مسائل اجتماعی و اخلاقی بررسی می‌کند و به تأسیس روش و منهج نیز دست می‌زند.^۲

رضوان السید، تاریخ‌نگار برجسته اندیشه سیاسی و شاگرد نامدار پرفسور فان اس در مقاله‌ای با عنوان «الاسلامیون والعولمة، العالم فی مرآة الهوية» معتقد است عبدالله دراز در کتاب معروف خود به نام دستور الاخلاق فی القرآن کوشیده است، مبانی نظریه استخلاف را که عبدالقادر عوده نخستین بار در کتاب خود الاسلام و اوضاعنا السیاسیه از آن به گونه‌ای ایدئولوژیک بهره گرفته

۱. رک به: الاخلام؛ خیرالدین زرکلی؛ ج ۶، ص ۲۴۶.

۲. ابوطالب محمدی؛ «منابع و روش‌های تفسیر موضوعی در سده چهاردهم»؛ فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، پاییز و زمستان ۱۳۷۵، شماره ۷-۸، ص ۱۶۳.

نقد و بررسی کتاب

«آیین اخلاق در قرآن» نخستین منبع جامع و تطبیقی فلسفه اخلاق قرآنی

محمد ربیع میرزایی
دانشجوی کارشناسی ارشد اخلاق دانشکده علوم حدیث
و محقق پژوهشکده علوم وحیانی معارج (اسراء).

چکیده: کتاب آیین اخلاق در قرآن، نخستین منبع جامع و تطبیقی فلسفه اخلاق قرآنی است که نویسنده در مقاله حاضر به طور مبسوط کتاب مذکور را مورد شرح و بررسی قرار می‌دهد. برای نیل به این هدف، نویسنده پس از پرداختن به عنوان کتاب به زبان عربی و فرانسه و مؤلف و مترجمین آن، مقاله خود را با بیان شرح حال و آثار مؤلف کتاب، محمد عبدالله دراز آغاز می‌کند. در ادامه، به بیان نسخه‌ها و چاپ‌های این کتاب پرداخته و آثاری که درباره کتاب پیش‌گفته نگاشته شده‌اند را معرفی می‌کند. بیان گستره موضوعات کتاب، ساختار کلی کتاب، روش و ادبیات و نگارش ترجمه، از دیگر مباحثی است که در مقاله حاضر به چشم می‌خورد. نویسنده پس از بیان برخی از امتیازات ویژه و نیز نقاط ضعف کتاب، مقاله خود را با ارائه گزارش تفصیلی محتوای کتاب به صورت فصل به فصل، به پایان می‌رساند.

کلیدواژه: آیین اخلاق در قرآن، فلسفه اخلاق قرآنی، معرفی و نقد کتاب.

یکصد هزار نسخه به وسیله وزارت الاوقاف والشئون الاسلامیه در مغرب منتشر شد.^۵

آثار وابسته

طبق بررسی های نگارنده این مقاله، آثار زیر درباره کتاب دستور الاخلاق فی القرآن نگارش شده است.

۱. مختصر دستور الأخلاق فی القرآن: خلاصه کتاب به زبان عربی است که توسط استاد محمد عبدالعظیم علی تألیف شده است. این اثر همراه تقریظ استاد دکتر مصطفی محمد حلمی، استاد دانشکده دارالعلوم قاهره در انتشارات دارالدعوة اسکندریه مصر چاپ شده است.^۶

۲. د. محمد عبدالله دزاز ومنهجه فی البحث الخلقی: رساله کارشناسی ارشد دکتر محمد البیومی عبدالواحد برای دانشکده اصول الدین قاهره به شماره ۲۰۶.^۷

۳. حول رساله دستور الاخلاق فی القرآن: احمد مصطفی فضلیه؛ مراجعه و تقدیم از دکتر سید محمد بدوی، دارالقلم کویت. موضوع اصلی این کتاب، معرفی استاد دزاز و رساله دکتری او یعنی کتاب دستور الاخلاق فی القرآن است. نویسنده این کتاب ضمن بیان تفصیلی روند نگارش کتاب، به گزارش چگونگی تألیف کتاب و تأثیرات آن در جهان و دیدگاه های برخی از علما درباره آن می پردازد. در این مقاله در مواردی از این کتاب نقل کرده ایم که در پاورقی بدان ارجاع داده ایم. نسخه هایی از این کتاب در کتابخانه دانشکده علوم حدیث قم و کتابخانه تخصصی علوم قرآن قم وجود دارد.

گستره موضوعات

در این کتاب علاوه بر طرح بخش عمده ای از مبادی اخلاق یا فلسفه اخلاق با عنوان اخلاق نظری، به جمع آوری، دسته بندی و تبویت آیاتی درباره جنبه های مختلف اخلاق عملی، نیز برخی از مصادیق اخلاق کاربردی؛ مانند اخلاق دولتمردان پرداخته شده است. البته بیش از چهارپنجم کتاب به فلسفه اخلاق و اخلاق نظری اختصاص دارد، اما در همان یک پنجم اخلاق عملی نیز دسته بندی زیبایی از آیات انجام گرفته که قابل تحسین است.

ساختار کلی کتاب

کتاب آیین اخلاق در قرآن کریم مشتمل بر پنج مقدمه، دو بخش و یک خاتمه است. هرچند عنوان بخش و خاتمه در کتاب نیامده و تنها به نام فصل ها اکتفا شده، اما پنج فصل اول، مربوط به اخلاق

است، پی ریزی کند. پس از این، این اندیشه در دهه شصت، هفتاد و تا امروز در نوشته های اسلام گرایان رواج یافته است.^۲

وی نگارش کتاب دستور الاخلاق فی القرآن را به عنوان رساله دکتری، از سال ۱۹۴۱م به زبان فرانسه آغاز کرد و بعد از شش سال، سرانجام در تاریخ ۱۲/۱۵/۱۹۴۷م در حضور استادان دانشگاه سوربون و دانشکده دی فرانس موفق به دفاع از رساله خود و دریافت دکترا شد.

سرانجام دکتر عبدالله دزاز در سال ۱۳۷۷ ق برابر با ۱۹۵۸ م، هنگامی که در کنگره جهانی اسلامی در شهر لاهور پاکستان شرکت کرده بود، در روز شانزدهم جمادی الآخر، برابر با ششم نوامبر به طور ناگهانی درگذشت.

برخی از دیگر آثار او عبارتند از: النبأ العظیم، الدین (درباره تاریخ ادیان)، تاریخ آداب اللغة العربیه، منهل العرفان فی تقویم البلدان، مدخل الی القرآن الکریم (درباره تاریخ قرآن)، تفسیر آیات الاحکام و کتابی در مبادی علم اخلاق و ...^۴

نسخه ها و چاپ ها

۱. چاپ اول نسخه فرانسوی این کتاب، سه سال پس از دفاع از آن، در سال ۱۹۵۰م از طرف هیئت علمی دانشگاه الازهر و دارالمعارف به چاپ رسید.

۲. هجده سال پس از چاپ این کتاب به زبان فرانسوی، یعنی در سال ۱۳۷۸ق برابر با ۱۹۶۸م مجله حضارة الاسلام که در دمشق منتشر می شد، در شماره های هفتم و هشتم سال هشتم خود، فصل هایی از آن را به زبان عربی ترجمه و چاپ کرد.

۳. این کتاب ۲۳ سال پس از چاپ آن به زبان فرانسه، در سال ۱۹۷۳م برابر با ۱۳۹۳ق توسط استاد دکتر عبدالصبور شاهین، یکی از شاگردان استاد عبدالله دزاز به عربی ترجمه و تحقیق، بررسی و تعلیقات آن انجام شد و استاد دکتر سید محمد بدوی (داماد مؤلف) نیز ویرایش علمی آن را بر عهده گرفت و ارجاعات آن را بررسی کرد. همچنین برای بار دوم به وسیله استاد دیگری از استادان مصر به نام سامی غریبری تحقیق شد و پس از آن در دارالبحوث العلمیه کویت افست شد و تا کنون بیش از ده بار تجدید چاپ شده است.

۴. در سال ۱۹۸۳م نیز چاپ دوم کتاب به زبان فرانسه در بیش از

۳. رک به: رضوان السید: «اسلام گرایان و جهانی شدن: جهان در آینه هویت»، ترجمه محمد مهدی خلجی؛ مجله نقد و نظر، شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۱۵۰ - ۱۵۱ و ۱۶۰ - ۱۶۱، پینوشت ۲۷.
۴. رک به: معجم المؤلفین: ج ۱۰، ص ۲۱۳.

۵. احمد مصطفی فضلیه؛ حول رساله دستور الاخلاق فی القرآن؛ صص ۱۱۰ - ۱۱۳.

۶. همان، صص ۹۹ - ۱۰۴.

۷. همان، صص ۱۰۵، ۱۲۷.

پیامبر اکرم ﷺ و صحابه را استخراج کند، اما با تشویق برخی از دانشمندان فرانسوی، تصمیم می‌گیرد، دیدگاه‌های مذاهب مشهور اسلامی و همچنین نظریه‌های اخلاقی غربی را نیز در کنار قوانین اخلاقی برخاسته از قرآن، کریم به شکل تطبیقی بررسی کند. بنابراین روش نویسنده در این کتاب، نوعی روش تطبیقی است که معتقد است، اندیشه‌های اخلاقی دانشمندان شرق یا نظایر آنها در مکاتب غربی در یک همسویی قابل قبول و سازگار، به دور از هراندیشه پیش ساخته و هر نوع گرایش متعصبانه نسبت به مکتب خاصی، به هم می‌رسند.

نکته مهم اینکه وی تنها راهنما در مناقشات را، حکم قرارداد عقلی می‌داند که به وسیله اسناد معتبر و موثق، رهبری می‌شود. شاید به همین سبب باشد که برخی همچون جابری در کتاب عقل اخلاقی عربی از وی انتقاد کرده و این کتاب را سخت متأثر از تفکر اخلاقی کانت دانسته‌اند که از این منظر، به تبیین مفاهیم اصطلاحاتی چون وظیفه، الزام اخلاقی، قانون اخلاقی و مسئولیت بر اساس قرآن پرداخته است!^۹ هرچند در این گونه قضاوت‌های برخی نویسندگان که در نوشته‌هایشان بویی از افراط و گرایش‌های خاص استشمام می‌شود، جای بسی تأمل است.

ادبیات و نگارش ترجمه

پیش از هر چیز باید گفت که هر چه در این باره گفته می‌شود، به ارزیابی ترجمه بازمی‌گردد نه به ادبیات اصل کتاب؛ زیرا برای بیان ادبیات کتاب و سطح نگارش نویسنده، باید زبان اصلی آن را بررسی کرد، اما به طور کلی، نگارش کتاب به زبان فارسی، روان و شیواست؛ هرچند که در مواردی، ترجمه تحت‌اللفظی و گرت‌برداری از زبان عربی، کاملاً مشهود است.

برای نمونه، در صفحه ۶۶ آمده است: «این قاعده برجسته، که گوینده آن یکی از دانشمندان دانشگاه الازهر از علمای قرن هفدهم میلادی است، همواره ارزش خود را حفظ کرده و همیشه هر نویسنده‌ای را دعوت می‌کند که بدان راه و روش حرکت کند. البته برای خواننده اندیشمند ما این فرصت هست که تا هر مدتی که بتواند کتاب ما را - که امروز با این شرایط تقدیم می‌کنیم - به کمال و تمام دریافت کند...»^{۱۰}

۹. رک به: «چهارگانه جابری»؛ سیدحسین اسلامی؛ آینه پژوهش، سال نوزدهم، شماره ۳ - ۴، مهر - دی ۱۳۸۷ (پیاپی ۱۱۲)، ص ۴۲. وی می‌گوید: «نگاهی به فصل‌ها و مفاهیم اصلی این کتاب نشان می‌دهد که وی سخت متأثر از تفکر اخلاقی کانت بوده و از این منظر در پی تبیین مفاهیم اصطلاحاتی چون وظیفه، الزام اخلاقی، قانون اخلاقی و مسئولیت بر اساس قرآن است. در حقیقت وی بیش از آنکه در پی بیان اخلاق قرآنی باشد، خواسته است اخلاقی غربی را در قرآن بخواند و نشان دهد».

۱۰. هر یک از موارد مشخص شده به لحاظ فن نگارش و ویرایش دارای اشکالاتی است که توضیح درباره آنها در این مقاله نمی‌گنجد.

نظری و پنج فصل بعدی مربوط به اخلاق عملی است و در پایان نیز، عنوان مستقل اجمالی از مهم‌ترین فضایل اسلامی آمده که آن را خاتمه نامیدیم.

مقدمات پنجگانه نیز شامل مقدمه مترجم [فارسی]، مقدمه محقق کتاب، سامی غیری، مقدمه به قلم استاد دکتر سیدمحمد بدوی، سخن مترجم از فرانسه به عربی و مقدمه نویسنده کتاب است که در مجموع از صفحه ۱۹ تا ۸۳ را دربر می‌گیرد.

بخش اول کتاب از صفحه ۸۵ آغاز و تا صفحه ۷۶۱ ادامه می‌یابد و شامل فصل‌های تعهد، اجمالی از فضایل مهم اسلامی، مجازات، نیت‌ها و انگیزه‌ها و کوشش است. البته نویسنده محترم، این بخش را با عنوان «خاتمه‌ای فراگیر» به پایان رسانده است که بهتر بود ویراستاران محترم، آن را در عرض فصل‌های پنجگانه قرار می‌دادند نه قسمتی از فصل پنجم!

بخش دوم نیز از صفحه ۷۶۱ آغاز و تا صفحه ۸۸۱ ادامه می‌یابد و شامل فصل‌های اخلاق فردی، اخلاق خانواده، اخلاق اجتماعی، اخلاق دولتمردان و اخلاق دینی است.

بدین ترتیب، بخش نخست، قسمت عمده کتاب را (۶۷۷ صفحه) به خود اختصاص داده است و بخش دوم با ۱۲۱ صفحه، کمتر از یک پنجم بخش اول است! هرچند که نویسنده محترم به عنوان بخش اول و بخش دوم تصریح نکرده، اما طبق شمارش فصل‌ها که دو گروه پنج فصلی هستند، ناگزیر باید این دو بخش را در گزارش محتوای آن لحاظ کرد.

روش کتاب

این کتاب، پژوهشی است تطبیقی درباره اخلاق نظری و عملی در قرآن، به همراه تحلیل‌های عقلی، ذکر شواهد و مؤیدات نقلی، نویسنده، خود در مقدمه کتاب درباره روش تحقیقش می‌گوید: «روش ما با روش عموم نویسندگان متفاوت است. توضیح اینکه، آنچه را که اغلب دانشمندان ما در درجه اول اهمیت قرار می‌دهند، جنبه اقتصادی و یا شرعی است، اما ما قبل از هر چیز، همت خود را در زمینه اخلاقی متمرکز می‌کنیم و هر مسئله‌ای را در همان اصطلاحاتی که نزد دانشمندان جدید علم اخلاق معمول است، به کار می‌بریم. از سوی دیگر، از خود قرآن، نکته اصلی را می‌گیریم و با مراجعه مستقیم به عبارت قرآنی، پاسخ هر مسئله‌ای را استخراج می‌کنیم»^۸.

نویسنده نخست بر آن بوده است که تنها قوانین اخلاقی برخاسته از قرآن کریم و در مواردی، قوانین اخلاقی برگرفته از تعلیمات

۸. رک به: ص ۷۹.

۲. آوردن واو استیناف در آغاز بند؛ در زبان فارسی چنین چیزی رایج نیست. (صص ۳۱۷، ۴۶۳)

۳. عدم یکسان‌سازی صوری و فنی: برای مثال نشانه «رک» به پنج شکل مختلف در پانوشته‌ها آمده است؛ برای نمونه «رک» (صص ۱۵۶ و ۲۲۰)، «رک:» (صص ۲۵، ۴۷، ۱۰۶، ۲۳۷ و ۲۷۲)، «رک.» (صص ۲۲۰ و ۲۶۵)، «رک:» (در بقیه موارد) و «رجوع کنید به...». جای بسی تأسف است که گاهی در یک صفحه، دو یا سه نوع از این موارد در کنار هم آمده است (صص ۲۲۰ و ۲۵۶).

۴. رعایت نکردن فواصل میان کلمات مرکب: این جا به جای این جا، آن ها به جای آن ها و هم چنان به جای هم چنان (ص ۱۶۱).

۵. کاربرد نادرست علائم سجاوندی: «...الآن یصدّقوا...» (ص ۱۷). آوردن دونقطه پایانی، برای یک جمله. این اشکال در بیشتر آیاتی که در پایان جمله قرار گرفته‌اند مشاهده می‌شود.

«هرگاه زبان و ضرر حاصل از خطا یا غفلت و یا به دلیل ... باشد» (ص ۳۱۷). در اینجا باید برای جلوگیری از اشتباه، پس از «ضرر» کما به کار رود: «هرگاه زبان و ضرر، حاصل از ... باشد».

۶. در صفحه ۳۷۴ نام سوره «شوری» را تغییر داده و به صورت «شورا» ذکر کرده‌اند!

۷. تراز نبودن ابتدای سطر پانوشته‌هایی که متن آنها از یک سطر بیشتر است (رک به: صص ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۴ و ۲۳۸)

ارزیابی کلی

در مجموع، نویسنده کتاب در فراهم آوردن راه و روش جامع اخلاقی از قرآن کریم و در اختیار قراردادن مبادی و قوانین اخلاقی به صورت یک مجموعه به هم پیوسته و مستقل که هر مسئله از مسائل دیگری که رابطه نزدیکی با هم دارند، مشخص شده، موفق بوده و پیش از او تحقیقی با این جامع‌نگری و به خصوص با ساختار پیوسته و منطقی این کتاب، نیز با زبان فنی معاصر و تطبیق با نظریات اخلاقی غربی، صورت نگرفته است. همچنین مجموعه نسبتاً جامع او در اخلاق عملی و تبویب آن قابل توجه است.

برخی از امتیازات ویژه کتاب

۱. پیشگام در نوع خود: به گفته محقق کتاب، دکتر سید محمد بدوی، در این کتاب برای نخستین بار، اصول نظری ای که مبادی اخلاق در قرآن کریم بر آنها استوار است، به شکل جدی طرح شده است. هر چند پیش از آن برخی به شکل پراکنده به مباحثی

در صفحه ۶۷ نیز به تیتیر «وضع قبلی این مشکل» در ترجمه «الوضع السابق للمشكلة» برمی‌خوریم؛ حال آنکه مترجم محترم به راحتی می‌توانست چنین ترجمه کند: «پیشینه بحث».

همچنین در صفحه ۸۲ آمده است: «با وجودی که این حقایق اساسی از چهارده قرن پیش، در پرتو قرآن پا به عرصه وجود گذاشته است...».

در صفحه ۸۳ نیز به تیتیر «تحقیقی همسو (چند مکتب)» در ترجمه «دراسة مقارنة» برمی‌خوریم که شاید بتوان آن را به زبان ساده‌تر و رایج‌تر، چنین آورد: «تحقیقی تطبیقی».

در همین صفحه آمده است: «... این تحقیقات هم زمان شامل مدارس مشهور اسلامی باشد...» که مراد از «مدارس»، مکاتب، مسلک‌ها یا مذاهب است، اما مترجم محترم به همان کلمه عربی اکتفا کرده است؛ حال آنکه مدارس در زبان فارسی بدین معنی به کار نمی‌رود؛ دست کم در عصر معاصر چنین است.

گاهی نیز در ترجمه، جملات به شکل محاوره‌ای بیان شده‌اند و از تعبیرات و کلمات نامناسب و نامطلوب استفاده شده است؛ برای نمونه، در بند پایانی صفحه ۳۱۷، ترجمه و شرح آیه ۹۲ سوره نساء بدین صورت آمده است: «هیچ‌گاه دو نفر از امت، در این باره اختلاف ندارند که کسی به قصد شکار تیری بیندازد و آن تیر به انسان و یا مالی بخورد و او تلف شود، تیرانداز ضامن است، و اگر...».

در اینجا مترجم محترم می‌توانست به جای «به انسان و یا مالی بخورد و او تلف شود» بگوید: به انسانی یا حیوانی برخورد کرده، سبب مرگ انسان یا تلف شدن حیوان شود.

از نظر فنی و صوری نیز لغزش‌هایی دیده می‌شود که به نظر می‌رسد در ویرایش آن اهمال صورت گرفته یا شاید اصلاً ویرایش نشده است. چند نمونه از این اشکالات صوری را یادآور می‌شویم:

۱. غلط‌های تایپی: در صفحه ۱۷ و ۸۶۴ عبارت «سپاس‌گذاری او به خاطر نعمتهایش» به کار رفته است که کلمه نخست آن غلط است و باید به این صورت تایپ شود: «سپاس‌گزاری». افزون بر آن، به عقیده برخی از صاحب‌نظران نگارش و ویرایش،^{۱۱} در کاربرد کلمه «به خاطر» نیز جای بسی تأمل است. در صفحه ۳۱۷ نیز متن آیه ۹۲ سوره نساء آمده است که سه اشکال دارد. دوبار کلمه «خطأ» به صورت «خطاء» تایپ شده است و نیز کلمه «یصدّقوا» به صورت «یصدّقوا» آمده است.

۱۱. رک به: ابوالحسن نجفی، غلط‌نویسیم؛ ص ۸۰ - ۸۱.

تمام عناصر و مواد اولیه لازم برای ساختن آن نیز، نخواهیم یافت. نویسنده پس از آنکه به بخشی از احکام خاص اخلاقی، توجه کرده است، با دقت جستجو در عبارات قرآن کریم را شروع کرده و موفق به یافتن شماری از اصول کلی اخلاق در قرآن کریم شده است که جنبه نظری را به طور کامل می‌رساند؛ مانند نشانه‌های واجب، طبیعت مسلطی که باعث الزام یا تکلیف است، میزان مسئولیت انسان و شرایط آن، طبیعت کوشش مطلوب برای یک عمل اخلاقی، بالاترین مبدأ که باید اراده آدمی را برای عمل برانگیزاند و ...^{۱۶}

۶. حاکم بودن اندیشه فطری بودن حس اخلاقی بر کتاب^{۱۷}: یک اندیشه مهم، از آغاز تا انجام بر این کتاب سطره افکنده است و آن اینکه حس اخلاقی، یک انگیزش درونی فطری است و قانون اخلاقی در جان و روح آدمی از آغاز پیدایش او سرشته شده است: «ونفس وما سؤیها فالهمها فجورها وتقویها»^{۱۸}.

۷. تأکید بر پیوند ذاتی اخلاق و عقیده: اندیشه بنیادی دیگری که مؤلف بر آن پافشاری می‌کند، این است که اخلاق بدون عقیده و ایمان، هیچ جایگاهی ندارد و عقیده با اخلاق، پیوندی ذاتی دارد؛ بدین معنی که ایمان به حقیقت اخلاقی، مانند یک حقیقت قائم به ذات روی فرد سایه می‌گسترده و او را ملزم به چشم پوشی از هواهای نفسانی و تمایلات خود می‌کند.^{۱۹}

۸. دسته‌بندی آیات مربوط به اخلاق عملی: در بخش‌های اخلاق فردی، اخلاق خانواده، اخلاق اجتماعی، اخلاق دولتمردان و اخلاق دینی. آیات مربوط به اخلاق عملی دسته‌بندی شده است. بدین ترتیب، یکی از امتیازهای مهم کتاب در بخش اخلاق عملی آن است که از صدها آیه شریف قرآنی به عنوان دستور کامل اخلاق عملی بهره برده که خود بر وزانت کتاب افزوده است.^{۲۰}

۹. ارجاع به منابع حدیثی شیعه: محققان کتاب با سعه صدر، روایاتی را که متفق علیه فریقین عامه و خاصه بوده است، در ارجاعات خود آورده‌اند و تنها به ذکر منابع عامه، بسنده نکرده‌اند، بلکه به منابع شیعه و کتب معتبر پیروان اهل بیت (علیهم‌السلام) از قبیل اصول و فروع کافی، وسائل الشیعه، بحار الانوار، تحف العقول و مانند آن نیز ارجاع داده‌اند.^{۲۱}

چون معیارهای خیر و شر، شرایط مسئولیت، سعی و تلاش انسان و ضرورت نیت پاک پرداخته‌اند.^{۱۲} مؤلف کتاب نقد اسلامیین المعاصرین نیز بدین مطلب تصریح دارد که به رغم کثرت آثاری که درباره قرآن و اسلام نگارش شده، این کتاب دکتر عبدالله دراز، نخستین پژوهش علمی معاصر درباره اخلاق قرآنی است.^{۱۳}

۲. دارای نظام منطقی پیوسته و عصری: تعهد و الزام، مسئولیت، مجازات، نیت و انگیزه، عمل و کوشش.

۳. مبتنی بر قرآن: برخلاف دیگر دانشمندان که معمولاً رأی و نظر شخصی خود یا جنبه فکری مکتب مورد تأییدشان را در مباحث دخالت داده‌اند و به آیات قرآنی، تنها به مثابه استشهاد و مؤیدی برای تأیید نظرات خود اشاره کرده‌اند، نویسنده این کتاب، همواره محور مرکزی را قرآن قرار داده است و در راه پاسخ‌نهایی، برای مسائلی که طرح می‌کند، تنها به نصوص قرآنی تکیه دارد و بس.^{۱۴}

۴. نقد اندیشه‌های بشری و غیر قرآنی: در جای جای کتاب، اندیشمندان شرقی و غربی با استفاده از نظرات و عقاید خودشان و مقایسه آنها با قرآن کریم به چالش کشیده شده‌اند. در بخش اخلاق نظری قرآن کریم، نظرات فلاسفه غرب به ویژه اخلاق نظری کانت را مقایسه کرده است و با بررسی و کاوش دقیق، آنها را به نقد کشیده و در نهایت، مزایای اخلاق را در دیدگاه قرآن کریم بر شمرده است. وی در رساله خود تنها به بیان دیدگاه مورد نظر اسلام نپرداخته، بلکه با مقایسه با نظرات اندیشمندان و فلاسفه، آنها را توضیح داده و هیچ مطلبی را فروگذار نکرده است؛ مگر اینکه نظر یکی از دانشمندان غربی یا یکی از برترین نظریات را در کنار آن آورده، و آن‌گاه قصور یا اشتباهی را که در این نظریه وجود داشته، بیان کرده و به دنبال آن به بیان کمال نظریه اخلاقی قرآن کریم، پرداخته است.^{۱۵}

۵. استخراج اصول کلی اخلاق از قرآن کریم: یکی از مشکلات اساسی در این حیطة، ساختار فلسفی نداشتن قرآن است؛ چرا که منظور ما از فلسفه‌ها، مجموعه اندیشه‌هایی است که از عقل سرچشمه گرفته باشد و بر اساس روش خاصی با یکدیگر در ارتباط باشند و هدف از تمامی آنها، ساختن رشته‌ای از مبادی برای تفسیر و تبیین بخشی از ظواهر طبیعت یا هستی باشد. هرگاه نتوانیم چنین نظم و نسقی را از ابتدا در قرآن بیابیم، وسیله‌ای برای

۱۶. رک به: ص ۳۱.

۱۷. رک به: ص ۳۱ - ۳۲.

۱۸. سورة شمس: ۷ - ۸.

۱۹. رک به: ص ۳۴.

۲۰. رک به: ص ۲۱، مقدمه مترجم.

۲۱. رک به: همان.

۱۲. رک به: ص ۳۰.

۱۳. احمد عبدالرحمن: نقد اسلامیین المعاصرین؛ مقدمه مؤلف به نقل از مقاله‌ای با همین نام در سایت خبرگزاری اخبار اسلامی (نبا): Islamicnews.

۱۴. رک به: ص ۳۱.

۱۵. رک به: ص ۲۱، مقدمه مترجم.

برخی از نقاط ضعف کتاب

۱. نپرداختن به مفاهیم اولیه بحث: به نظر می‌رسد برخی از نخستین سؤالاتی که در آغاز به ذهن خواننده می‌رسد و انتظار دارد در این کتاب به آنها پاسخ داده شود، تعریف و تقسیم مفاهیم اولیه‌ای چون اخلاق، فضیلت، رذیلت، خیر، شرّ و... از منظر قرآن کریم است که نویسنده باید تحلیل و تبیین شایسته‌ای از آنها، با استناد به آیات یا روایات عرضه می‌کرد و سپس وارد بحث اصلی می‌شد؛ اما متأسفانه به این مسائل پرداخته نشده است.

۲. درآمیختگی مباحث اخلاقی با مباحث فقهی و فلسفی: یکی از نقاط ضعف کتاب این است که مؤلف محترم به دلیل جامع‌نگری‌ای که داشته، مباحث فقهی و فلسفی را با مباحث اخلاقی - به معنای مصطلح - درآمیخته که کاری نامتعارف است؛ برای نمونه، واجب و حرام‌های تکلیفی مانند نماز، زکات، غش و ربا در معامله، ارث، وقف، دیات، قصاص و نظایر اینها را که از مباحث ویژه فقهی است، در کنار فضایل و رذایل اخلاقی مطرح کرده است.^{۲۲}

محقق محترم، احمد عبدالرحمن، مؤلف کتاب نقد الاسلامیین المعاصرین نیز به این مطلب در بخش مربوط به دستور الاخلاق فی القرآن چنین اشاره کرده است: «شاید مهمترین نقص این اثر، تمییز ندادن بین مسائل اخلاقی و تعبدی محض و حقوقی باشد که سبب ورود به مسائلی شده که از علم اخلاق خارج است و همین امر، یکی از عوامل حجیم شدن کتاب و تداخل مفاهیم، مبادی و ارزش‌های اخلاقی از جهت حقوقی یا قانونی با مسائل عبادی است».^{۲۳}

۳. بی‌توجهی به روایات اهل بیت (علیهم‌السلام): خلأ دیگری که بسیار مهم و اثرگذار به نظر می‌رسد و فقدان آن در سراسر مباحث کتاب، مشهود است، بهره‌نبردن از معارف و احادیث پرمغز اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) درباره زبان قرآن کریم، و تفسیر آیات مرتبط با بحث اصلی کتاب است که بدون شک می‌توانست نظریه‌پردازی دکتر عبدالله دزازی را درباره قانون اخلاق قرآنی، به تکامل بایسته‌ای برساند و نیز آن را از انگ و ننگ آبخوری نظریه تکلیف‌گرایی کانت میزبان کند.

گزارش تفصیلی محتوای کتاب

فصل اول: تعهد

نویسنده در این فصل، نخست ریشه‌های تعهد و الزام اخلاقی در قرآن، سنت، اجماع و قیاس را می‌کاود و سپس ویژگی‌های تکلیف اخلاقی از جمله امکان عمل، عمل آسان، محدودیت وظایف و تدریجی بودن آنها را می‌شمارد، آن‌گاه دو قسم از تناقضات الزام؛ یعنی وحدت و تنوع و سلطه و آزادی را بیان و همچنین نظریه کانت در این باره را نقد و بررسی می‌کند.

او در آغاز فصل می‌گوید: «هر آیین اخلاقی که شایستگی این نام را داشته باشد، در نهایت، مستند به اندیشه تعهد است. این قاعده‌ای اساسی است که همه نظام‌های اخلاقی بر محور آن می‌گردند و نبودش به نابودی و فناي جوهر ذات حکمت عملی می‌انجامد؛ چه اگر تعهد و الزامی نباشد، مسئولیتی نخواهد بود و اگر مسئولیت نباشد، بازگشت عدالت به جامعه شدنی نیست و در آن صورت، آشفتگی و هرج و مرج فراگیر خواهد شد، نظم و ترتیب به تباهی کشیده می‌شود و ناهنجاری و بی‌فرهنگی، همگانی می‌شود. این امر نه تنها در محیطی که اتفاق افتاده، رخ می‌دهد، بلکه در حوزه قانون نیز خواهد بود؛ از این رو تعهد و الزام اخلاقی، مبدأ و خاستگاه اخلاق نامیده می‌شود».^{۲۴}

بنابر گزارش دکتر سیدمحمد بدوی در مقدمه کتاب، استقلال قاعده اخلاقی نسبت به فرد، گاهی باعث می‌شود، نتیجه زندگی اخلاقی، فروتنی شود؛ جز اینکه فروتنی مطلق، نوعی آزادی به شمار می‌آید و در نتیجه، چنین فروتنی بی‌قید و شرطی، خلاف اخلاق خواهد بود. این یکی از نکات آزاردهنده‌ای است که نویسنده کتاب در فصل اول با عنوان الزام خُلُق‌ی به آن می‌پردازد و تأکید می‌کند که در این باره هیچ راه و چاره‌ای نداریم که بگوییم، فروتنی چون عقلانی و قابل قبول است، آن را با آزادی کامل پذیرفته‌ایم؛ زیرا اگر بتوانیم خود را از انواع طاعت بردگی آزاد کنیم، با فروتنی مخالفی نداریم و دست‌کم بردگی ما را نمی‌رساند. در این صورت، اخلاق همان است که ضمیر آدمی را در وضع متوسط بین عالم مثال و عالم واقع قرار می‌دهد و آن دورا در هم ادغام می‌کند و این ادغام، به دگرگونی آمیخته‌ای در هر دو منتهی می‌شود؛ بنابراین در عالم واقع، چیزی نورا به وجود می‌آورد که عبارت است از توجه به بالاترین؛ همچنان که قاعده مثالی یعنی جنبه دیگر نیز به سبب ارتباط با حقیقت، هستی خود را برای سازش با عالم واقع، تنظیم می‌کند.

بر این اساس، وقتی اختلاف میان دو جنبه واجب از بین رفت،

۲۲. رک: ص ۱۹، مقدمه مترجم.

۲۳. احمد عبدالرحمن؛ نقد الاسلامیین المعاصرین؛ مقدمه مؤلف، به نقل از مقاله‌ای با همین نام در سایت خبرگزاری اخبار اسلامی (نیآ): Islamicnews.

۲۴. رک: ص ۸۵.

تمسک کنیم که علم مطلق و نورابدی باشد و به اینجا رسیدیم که تمام منابع مثبت این شرع مقدس را به یک منبع بازگردانیم و تمام اوامر را به یک امر - ظاهری یا باطنی - که همان امر الهی باشد، محدود کنیم.

اما تنها نقیصه‌ای که به نظر می‌رسد، این است که طبیعت و ماهیت عمیقی که جوهر عدل و حقیقت خیر را فراهم می‌آورد، برای ما چندان مشخص نیست تا بتوانیم همیشه و هر جا آن را تشخیص دهیم و موقعیت آن مانند تمام ماهیات است که آن را در حال کمال خود نمی‌بینیم، بلکه به لطف بخشی از نوری که امتداد و توانایی‌اش محدود است و با روشنائی اندکی که از فطرتمان می‌گیریم، لحظه‌ای آن را احساس می‌کنیم.

در این صورت، جز یک نور محض و نامحدود، نوری وجود ندارد و همان است که می‌تواند به طور کامل و با اطمینان تمام به این جوهر عقل انسانی ضمیمه شود؛ از این رو حق افراد باایمان است که از عقل الهی، هدایت اخلاقی کاملی بگیرند و در این صورت، منبع حقیقی برای الزام اخلاقی، در تفکر ارزنده نهفته و پنهان است که همان عقلانیت عقل و آخرین مرجع برای حس اخلاقی است.^{۲۶}

نگارنده در بیان ویژگی‌های تکلیف اخلاقی به این نتیجه می‌رسد که از دیدگاه قرآن کریم، یک قانون اخلاقی باید سه ویژگی داشته باشد:

۱. ناظر به طبیعت کلی انسان باشد و امکان عمل به آن وجود داشته باشد.
۲. ناظر به واقعیت زندگی مادی انسان باشد و عمل به آن آسان باشد.
۳. ناظر به تدریجی بودن اعمال و محدودیت وظایف باشد.^{۲۷}

در پایان این فصل، نویسنده محترم در بیان تناقضات الزام نیز به دو مورد مهم می‌پردازد و تناقض وحدت و تنوع نیز تناقض سلطه و آزادی را با بیان و نقد دو نظریه کانت و روه (Rauh)، بررسی می‌کند و می‌کوشد این مطلب را تبیین کند که راه حل قرآنی، چگونه می‌تواند هماهنگی منصفانه‌ای برای تمام جوانب قضیه در نظر گیرد. در حالی که از نظر دیدگاه‌های عادی نسبت به انتخاب یکی از دو طرف متفاوت، جهت‌گیری‌های مختلفی در ارزیابی وجود دارد.^{۲۸}

عنوان‌های مطالب این فصل را می‌توان بدین صورت، خلاصه‌وار فهرست کرد:

۱. ریشه‌های تعهد و الزام اخلاقی (قرآن، سنت، اجماع و قیاس)؛
۲. ویژگی‌های تکلیف اخلاقی (امکان عمل، عمل آسان، محدودیت وظایف و تدریجی بودن آنها).

ناگزیری از آنها راه را برای دیگری باز می‌کند یا اینکه طبیعت ارتباط اجزای ترکیب یافته، باعث ایجاد نوعی سازش در بین آنها می‌شود و این ره‌اشدن از قاعده، بستری را به وجود می‌آورد که انسان، از روی اختیار، نوعی آزادی را انتخاب کند که انسانیت انسان را تقویت کند. بدین ترتیب، الزام اخلاقی، فروتنی مطلق و بی‌حساب را مهار می‌کند؛ چنان‌که آزادی بی‌بندوبار را کنترل کرده و انسان را در جایگاه حقیقی خود، بین ماده صرف و روح صرف قرار می‌دهد.^{۲۵}

نویسنده در واکاوی ریشه‌های تعهد و الزام اخلاقی، نظریه برگسون فرانسوی و کانت آلمانی را نقد کرده، نقاط قوت و ضعف آنها را بر شمرده و با استناد به آیات قرآن کریم به آنان پاسخ داده است و در ادامه، راه حل الزام اخلاقی در اسلام را عرضه و منابع چهارگانه احکام اسلامی را قرآن، سنت، اجماع و قیاس معرفی کرده است.

وی در ادامه این بحث می‌گوید ما تاکنون کاری نکرده‌ایم جز اینکه قانون اخلاقی فطری را به نوعی از قانون الهی بازگردانیم که در وجود ذات عقل انسانی، نهفته است، اما این نور جزئی عقل، از ایجاد قانونی که همزمان، تمام صفات حسی، کمال و شمول را داشته باشد، ناتوان است. بنابراین به ناچار باید به منبع دیگری

دکتر محمد عبد الله دراز

آیین اخلاق در قرآن

ترجمه محمد رضا عطایی

۳. تناقضات الزام (وحدت و تنوع، سلطه و آزادی).

۴. نقد نظریه کانت.

فصل دوم: اجمالی از فضایل مهم اسلامی

از اندیشه الزام، اندیشه مسئولیت پدید می‌آید که موضوع مهم فصل دوم کتاب است. نویسنده، تمام جوانب اخلاقی، دینی و اجتماعی مسئولیت را بررسی کرده، آن‌گاه به بحث و بررسی نمود اخلاقی درباره اندیشه مسئولیت می‌پردازد. نویسنده از آغاز توجه خاصی به تأکید و تثبیت اندیشه اصلی، یعنی مسئولیت داشته که در این موضوع، محور بحث است؛ چنان‌که قرآن کریم نیز آن را صفت مربوط به شخصیت انسانی به معنای کامل شخصیت تلقی کرده و بر آن تأکید کرده است؛ بنابراین فرد مسئول براساس شریعت قرآنی «شخص بالغ عاقلی است که قوانین دینی مربوط به تکالیف، به وی رسیده باشد».

چنین کسی در قبال کارهای خاص عقلانی و ارادی خویش و نیز کارهایی که نیت قلبی و اراده شخص برای انجام آن لازم است، مسئولیت دارد. در این صورت، آنجا که پای مسئولیت در میان است، مجالی برای ارزشیابی عمل یا پاداش آن از انسانی به انسان دیگر نیست و مسئولیت، امری موروثی یا جمعی نیست؛ بدین معنی که جامعه، بدون اینکه به نحوی در کارهای فرد دخالت داشته باشد، نمی‌تواند مسئول کارهایی باشد که یکی از اعضای آن مرتکب می‌شود.^{۲۹}

در این فصل، نخست تفکر عام مسئولیت تحلیل می‌شود، سپس به شرایط مسئولیت اخلاقی و دینی پرداخته می‌شود که سه شرط ضروری و کافی دارد: شخصی بودن عمل یا «طبیعت شخصی مسئولیت»، توجه کامل و آگاهی به شرع یا قانون، و ارادی بودن و انجام عمل با آزادی و بدون اکراه. پس از این مباحث، جنبه اجتماعی مسئولیت طرح و تبیین می‌شود که پایان بخش فصل دوم است. خلاصه عناوین این فصل چنین است:

۱. تحلیل تفکر عام مسئولیت؛

۲. اساس قانونی؛

۳. عنصر اصلی در عمل؛

۴. آزادی؛

۵. جنبه اجتماعی مسئولیت.

فصل سوم: مجازات

در ادامه بحث قبول و مسئولیت، به طور یقین، پاداش و کیفر پدید می‌آید که موضوع فصل سوم کتاب است. بنابراین قانون

اخلاقی‌ای که ما را ملزم می‌کند و در برابر مسئولیت قرار می‌دهد، در عین حال باید بر اساس نظامی تنظیم شود تا با موقعیت‌های ما همخوانی داشته باشد و چون برخی از فلاسفه، منکر جزای اخلاقی به معنای حقیقی کلمه شده‌اند، باید توجه داشت که وجود جزای بالفعل، بر آن عقیده، خط بطلان می‌کشد.

قرآن کریم این پاداش را به دو نوع افزایش می‌دهد: نخست پاداش مربوط به خوی اصلاحی است؛ بدان معنی که انسان بد رفتار به طور حتم باید فساد را که رفتارش در پی دارد و یا حقوق دیگران را هدر می‌دهد، اصلاح کند. علاوه بر این، نوعی دیگر از پاداش و کیفری که طبیعت استحقاقی دارد و عبارت از بازگشت عمل به قانون اخلاقی است، با آن ارتباط تنگاتنگ دارد و انسان، خواه ناخواه راهی ندارد جز اینکه آن را تحمل کند.

بنابراین، بر اساس موضعی که نسبت به واجب اخلاقی بر ما دیکته می‌کند، تسلیم باشیم یا متمرد، می‌فهمیم که ملکات والای ما رشد می‌کند یا رو به انحطاط می‌رود. البته مقصود این نیست که سر و کار با نیکی، تنها دل را صفا می‌دهد و اراده و تصمیم انسان را تقویت می‌کند، بلکه واکنش آن، روی ملکه ذهنی نیز انعکاس دارد و برعکس آن، می‌بینیم که اطاعت بی‌قید و شرط از خواسته‌های نفسانی، دل را کور و عقل و خرد را از دریافت حقیقت باز می‌دارد. خلاصه سخن اینکه جزای اخلاقی استحقاقی، به نوعی از ارزشیابی ذاتی منتهی می‌شود و سرانجام یا به ارزش آدمی افزوده می‌شود و یا از قدر آن می‌کاهد.

هرگاه انسان آزادانه کاری را انجام می‌دهد، بدین معناست که این عمل او برخاسته از تمام هستی، جسم و روح اوست. رابطه محکم و عمل متقابل میان دو عنصر جسم و روح نیز بر کسی پوشیده نیست؛ از این رو عدالت اقتضا می‌کند، انسان هم پاداش و کیفر حسی و جسمی را ببیند و هم پاداش و کیفر روحی؛ اما چون مجازات‌های طبیعی در این دنیا ناقص است و فراگیر و کامل نیست، عدالت خداوندی، از راه محاسبه دقیق در آخرت، عهده‌دار از بین بردن این نقص است.^{۳۰}

به طور خلاصه در این فصل، نخست به تحلیل مجازات اخلاقی پرداخته می‌شود، سپس فضایی هم‌چون نماز، صدقه، روزه، ممارست و حکمت، تشریح می‌شود و پس از آن، زشتی و قبح تعدادی از رداییل از جمله مستی و دروغ‌گویی بیان و نیز اشاره ای به تأثیر شر بر توانمندی‌های عقلانی و نفس می‌شود. در ادامه بحث، نویسنده مجازات قانونی را تبیین می‌کند و پس از اینکه

۲۹. رک. به: ص ۳۵-۳۶.

۳۰. رک. به: ص ۳۸-۳۹.

فصل چهارم: نیت‌ها و انگیزه‌ها

نویسنده محترم، خود در پایان فصل سوم می‌گوید: وقتی که تمام زمینه‌ها برای منوال است و هنگامی که همه قوا و تمام نیروها نیرومند و بانشاط می‌شود و همه وسایل، آماده و مهیا می‌گردد، دیگر چیزی نمی‌ماند جز اینکه با سرانگشت اراده، حرکتی ایجاد شود. به این ترتیب، آیا سزاوار است که این اراده، انگیزه‌های خود را از زمینه‌های مختلف دیگری عاریه بگیرد؟ آیا پس از آنکه اخلاق قرآنی بین اختلاف نظرها توافق ایجاد کرد و به تمام خواسته‌های مشروع در زمینه مجازات پاسخ مثبت داد، این اخلاق ناگزیر در زمینه نیت، به ظهور می‌رسد و آیا جهت فکری ما در عرضه این موضوع همین است؟ آیا مطابقت مادی آن مجازات، با هر مبدأ الهام بخشی که دارد، کفایت می‌کند و یا حتی در صورتی که از وظیفه، هیچ آگاهی‌ای نداشته باشیم، باز هم کافی است؟ اینها مسائلی است که هم‌اکنون ما را با اصرار و الحاح مواجه می‌کند و این همان چیزی است که فصل آینده را به آن اختصاص داده‌ایم.^{۳۱}

بر این اساس، باید درباره موضوع قرآن کریم نسبت به عمل انسان و معیار حکم قرآن در آن باره نگرشی داشت. به راستی، موضع قرآن کریم در این باره بسیار روشن و مشخص است. آنچه از دیدگاه قرآن مهم است، اجرای مادی و فیزیکی عمل نیست، بلکه نیتی است که در پشت عمل نهفته است.

نویسنده کتاب، موضوع نیت و انگیزه‌های عمل را در این فصل مطرح می‌کند. در کنار انتخاب موضوع مباشر عمل، انتخاب هدف دوری نیز وجود دارد و در سایه حسن انتخاب این هدف، نیت پاک به مفهوم اخلاقی صرف آن نیز تحقق می‌یابد.

حال آن مبدأ والا و انگیزه اصلی که قرآن کریم آن را همچون شرطی برای داوری درباره ارزش اعمالمان قرار می‌دهد، چیست؟ آن شرط، خلوص بی‌قید و شرط است، - به گونه‌ای که تنها هدف عمل، درخواست رضای خدا باشد.^{۳۲}

خلاصه فهرست این فصل بدین قرار است:

۱. نیت (نیت همچون شرطی برای باورداشتن عمل، نیت و طبیعت فعل اخلاقی، برتری نیت نسبت به عمل و آیا نیت تنها کافی است؟)؛
۲. انگیزه‌های عمل (نقش نیت غیرمباشر و طبیعت آن، نیت خوب، بی‌هدفی نیت، نیت‌های بد و اخلاص نیت با انگیزه‌های مختلط)؛
۳. نمونه‌هایی از سنت نبوی.

قانونگذاری قرآن کریم درباره کیفر اخلاقی و مجازات شرعی را بررسی می‌کند، در نهایت بر خود فرض می‌داند که طبیعت مجازات الهی و گستره آن را بررسی و آن‌گاه جایگاه آن را در نظام تربیتی اخلاقی قرآن کریم تعیین کند.

نویسنده محترم در سیر بیان نظام توجیه قرآنی به این نتیجه می‌رسد که صرف نظر از اوامر مطلق الهی، اگر وصایا و سفارش‌های الهی در قرآن کریم را بررسی کنیم، خواهیم دید که آنها بر اصول و پایه‌های گوناگونی استوارند که می‌توان آنها را به سه مجموعه بزرگ انگیزه‌های درونی، جنبه‌های شرایط محیطی و موضع انسان و اعتبارات نتایج و پیامدهای عمل - نتایج طبیعی و غیرطبیعی - بازگرداند.

وی پس از اینکه با استناد به ده‌ها آیه قرآنی، یکایک موارد فوق را تبیین می‌کند، وارد بحث طبیعت و ماهیت مجازات الهی و میدان عمل آن می‌شود و در حجمی حدود ششصد صفحه به بررسی مجازات الهی می‌پردازد. خلاصه عناوین این فصل را می‌توان چنین یادآور شد:

۱. مجازات اخلاقی

- ۱-۱. خوبی‌های فضیلت (نماز، صدقه، روزه، نمازت و حکمت)؛
- ۱-۲. زشتی و قبح ردیلت (مستی، دروغگویی، رفتار و سلوک و توانمندی‌های عقلانی و نفس با کاملترین صورت).

۲. مجازات قانونی

- ۲-۱. نظام توجیه قرآنی (انگیزه‌های درونی، جنبه‌های شرایط محیطی و موضع انسان، اعتبارات نتایج و پیامدهای عمل)؛
- ۲-۲. نتایج غیرطبیعی.

۳. مجازات الهی طبیعت مجازات الهی و اشکال آن

- ۳-۱. مجازات الهی در دنیا (جنبه مادی، جنبه عقلانی و اخلاقی، جنبه روحی، کمبود مجازات دنیوی)؛
- ۳-۲. پاداش الهی در حیات اخروی (بهشت و بهره روحی و خوشبختی حسی و دوزخ و کیفرهای اخلاقی سلبی و ایجابی و کیفرهای بدنی).

مؤلف محترم در پایان این فصل که حجیم‌ترین فصل کتاب است (۱۷۳ صفحه) با دقت خاصی، عوامل و ادارنده انسان به انجام وظیفه را با برشمردن آیات دال بر هر یک از آنها و به تفکیک مکی و مدنی بودن آیات، در جدولی بیان کرده است که هیچ ذوق سلیمی به راحتی از تعمق در آن نخواهد گذشت.

۳۱. رک به: ص ۴۹۷-۴۹۸.

۳۲. رک به: ص ۳۹-۴۰.

فصل پنجم: کوشش

آخرین مبحثی که نویسنده در این فصل کتاب بدان پرداخته، تحلیل مفهوم کوشش و تلاش انسانی است که قرآن کریم بدان فرمان داده است. همچنین در این فصل درجه و میزان این کوشش و ارزش آن در فراهم آوردن اجر و ثواب را بررسی می‌کند.

او در آغاز این فصل می‌گوید: اکنون که به قدر کافی، تفاوت دو عنصر مشخص در ساختار اخلاقی، یعنی نیت و عمل را شناختیم و نقش دوجانبه نیت را از جهت شرط صحت و ارزش رفتاری تعیین کردیم، باید اهمیت فوق‌العاده عنصر دوم، یعنی عمل را روشن کنیم که تنها اسلحه هجومی و دفاعی در نبردگاه فضیلت است.^{۳۳}

نویسنده از طرفی، ارتباط بین تلاش و کوشش و انگیزش درونی را و از سوی دیگر، رابطه بین کوشش و تلاش و روح بازشناسی خیر و شر را مطرح می‌کند و توضیح می‌دهد که قرآن کریم بین هر یک از این دو طرف مخالف، توازن برقرار کرده و میان آنها چنان آمیختگی و ترکیبی به وجود آورده است که کمال و حکمت را در خود جمع کرده است. نویسنده با اندیشه گروه تندروری که انگیزه درونی را در فعل اخلاقی قبول ندارد و به سلوک و رفتار، هیچ بهایی نمی‌دهد، مخالف است؛ مگر اینکه نتیجه کوشش و تلاش و یا محصول آن، رنج و زحمت زیادی باشد.

همچنین می‌بینیم که هماهنگی بین کوشش و تلاش و انگیزش باطنی، امکان‌پذیر است و نیز ممکن است هر یک از آنها در کسب فضیلت و استحقاق اجر و ثواب، سهمی داشته باشند و نقش خود را ایفا کنند؛ اما رابطه ترکیبی بین تلاش و کوشش و سهولت عمل را با وضوح بیشتر در قرآن کریم مشاهده می‌کنیم.

بنابراین سهولت عملی در ارتباط با شعائر، هیچ منافاتی با مفهوم تلاش و کوشش ندارد، بلکه رنگ طبیعت انسانی را بر آن می‌افزاید و هدف این کوشش را به سمت دورکردن روح مشقت، سوق می‌دهد؛ رنج و مشقتی که عقل آدمی آن را پذیرا نیست و هیچ ضرورت اخلاقی‌ای، آن را نمی‌طلبد؛ چنان‌که تنگنا و سختگیری را در دینداری نمی‌پذیرد؛ سختگیری‌ای که در حال حاضر به تلاش و کوشش پایان می‌دهد، بدون اینکه چیزی برای آینده ذخیره کند تا بتواند ادامه دهد.

این کوشش که در برابر فرمان عقل تسلیم و به فضیلت و اعتدال معروف است، خود حدّ میانه‌ای است که حکما و فلاسفه از آن سخن گفته‌اند. قرآن در تعیین مراتب ارزش هرکاری، براساس تلاش و کوششی که برای عمل صرف می‌شود، ارزش هر کاری

را بالا می‌برد. این مرتبه پست‌ترین حدی دارد که برای انسان معمولی فرض شدنی است و افزون بر آن، کمال است که قرآن بدان تشویق می‌کند و درجات فضیلت و مراتب ثواب، براساس آن افزون می‌شود.^{۳۴}

نویسنده در این فصل کوشیده است به سه سؤال زیر پاسخ دهد:

۱. آیا باید ارزش تلاش و کوشش انسانی، ارزش حرکت پیش از خود را نفی کند؟ یا چه شرطی؟

۲. سهم تلاش جسمی در این ارزش چقدر است؟

۳. آیا این تلاش، وقتی که ضرورت پیدا می‌کند، حدّ نهایی دارد؟

عناوین مهم این فصل بدین قرار است:

۱. تلاش و حرکت روبه پیش (دیدگاه‌ها، تلاش مدافعه و تلاش سازنده)؛

۲. تلاش جسمی (دلآوری، نماز و روزه).

بخش دوم: اخلاق عملی

بخش دوم کتاب به اخلاق عملی می‌پردازد. نویسنده، روش خاصی را برای عرضه مطالب، برگزیده است که با روش غزالی و نویسندگان پیش از او متفاوت است. وی به جای اینکه آیاتی را که به رفتار انسان مربوط است، یکجا جمع کند، به بیان آیاتی که به روشنی قاعده‌ای از قوانین سلوک و رفتار را شرح می‌دهد و در حد امکان از تکرار برحذر است اکتفا می‌کند و به جای پی‌درپی آوردن سوره‌ها یا ترتیب ابجدی، روش نظام منطقی را برگزیده است؛ بدین ترتیب، آیات هرگروه را براساس نوع علاقه و ارتباطی که هر قاعده‌ای از قواعد اخلاق، آنها را نظم می‌دهد، در فصل مخصوصی جمع کرده است.^{۳۵}

وی آیات فصل اول را که مخصوص اخلاق فردی است، در سه گروه اوامر، نواهی و مباحات آورده است. براین اساس، این فصل مشتمل بر آیاتی با موضوع اخلاق فردی، توان اخلاقی، صفای روح، پایداری، پاکدامنی، سیطره بر شهوات نفسانی، فروخوردن خشم، اخلاص، آرامش، فروتنی و خویشستن‌داری در صدور حکم، خودداری از شک و دودلی، مواظبت در کار، تحمل و بردباری، پیروی از الگوی پاک و پاکیزه و مانند اینها است.

همچنین در ادامه، از جنبه تحریم‌های اخلاقی و نارواها، به آیاتی اشاره شده است که خودکشی، بریدن اعضا یا ناهنجار ساختن بدن را منع می‌کند و دروغ، دورویی، بخل، ولخرجی، فخرفروشی، برتری‌جویی، آزمندی نسبت به متاع دنیا و حسد و تبهکاری و ... را حرام می‌داند. در مباحات نیز به برخورداری از نعمت‌های

۹. وفا به پیمان الهی؛
۱۰. تسبیح و تکبیر خدا گفتن؛
۱۱. ادای نماز و واجبات؛
۱۲. محبت خدا و ...

ناگفته نماند که در پایان کتاب، در بحثی مستقل، اما بدون عنوان فصل، پاره‌ای از مهم‌ترین فضایل اسلامی در هفت صفحه بیان شده است که در آن، برخی از مهم‌ترین فضایلی که قرآن کریم آنها را امتیازات مسلمانان واقعی و مؤمنان و متقیان می‌شمارد، یادآوری شده است.

منابع

۱. زرکلی، خیرالدین؛ الاعلام، قاموس تراجم الأشهر الرجال والنساء من العرب والمستغریین والمستشرقین؛ ج ۹، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۹۰ م.
۲. عبدالرحمن، احمد؛ «نقد الاسلامیین المعاصرین»، به نقل از مقاله‌ای با همین نام در سایت خبرگزاری اخبار اسلامی (نبا): islamicnews.net.
۳. فضیلة، احمد مصطفی؛ حول رسالة دستور الاخلاق فی القرآن؛ ج ۱، کویت: دارالعلم، ۱۴۲۶ ق - ۲۰۰۵ م.
۴. کحاله، رضا عمر؛ معجم المؤلفین.
۵. نجفی، ابوالحسن؛ غلط نویسیم، فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی؛ ج ۳، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.
۶. فصلنامه پژوهشهای قرآنی، شماره ۷ - ۸، پاییز و زمستان ۱۳۷۵.
۷. فصلنامه آینه پژوهش، شماره ۸۲، مهر - آبان ۱۳۸۷.
۸. فصلنامه نقد و نظر، شماره ۱۹ - ۲۰، تابستان و پاییز ۱۳۷۸.

پاکیزه، پرداخته شده است و در پایان نیز بحثی با عنوان مخالفت به دلیل اضطراب بیان شده است.

- نویسنده در فصل دوم آیاتی را که به اخلاق خانواده مربوط است گردآوری و آنها را به چند بخش تقسیم کرده است:
۱. امور مربوط به والدین و فرزندان؛
۲. وظایف متقابل همسران (همسرگزینی، زندگی زناشویی، طلاق)؛
۳. وظایف شخص نسبت به خویشاوندان.
۴. ارث.

در فصل سوم که به نواهی اجتماعی، اوامر اجتماعی و آداب اجتماعی تقسیم شده است، آیاتی را می‌بینیم که به اخلاق اجتماعی مربوط می‌شود. عناوین برخی از مطالب این فصل از این قرار است: تحریم قتل، دزدی، ربودن، اختلاس مال اشخاص، ربا، تبدیل مال یتیم، خیانت و مانند اینها.

همچنین دستور بازگرداندن امانت، نوشتن دین، رعایت عهد و پیمان، شهادت راست، محبت نسبت به دیگران، احسان به ضعیفان و ناتوانان، آزادکردن بردگان و ... همچنین آیاتی درباره آداب اجتماعی؛ مانند اجازه ورود خواستن، با صدای بلند صحبت نکردن، پیش دستی در سلام کردن، پاسخ سلام را نیکوتر دادن، گزینش سخن خوب و ...

در فصل چهارم با عنوان اخلاق دولتمردان، نخست به وظایف مسئولان در قبال مردم و مردم در قبال آنان پرداخته شده است و سپس درباره روابط خارجی حکومت اسلامی به آیاتی اشاره شده است که البته در دو وضعیت عادی و وضعیت جنگ، آمده است.

در پایان و در فصل پنجم این بخش از کتاب، اخلاق بندگی مطرح شده است که مشتمل بر آیاتی است که وظایف انسان را نسبت به خدا بیان می‌کند. برخی از مهم‌ترین وظایف این بخش بدین قرار است:

۱. ایمان به خدا و حقایقی که از سوی او رسیده است؛
۲. اطاعت بی قید و شرط؛
۳. تدبیر در آیات الهی؛
۴. مطالعه صنع پروردگار؛
۵. سپاسگزاری او به سبب نعمت‌هایش؛
۶. رضایت به قضای پروردگار؛
۷. توکل بر خدا؛
۸. ناامید نشدن از رحمت او؛